佞谈之主的夫人

ฮูหยินแห่งบุรุษในตำนาน

1

เขียน Yun Ya
แปล FEI FEI
วาด Sabaek

THE LEGENDARY MASTER’s WIFE

همسر استاد افسانه ای

مترجم و ویراستار:BLUELOTUSE

نویسنده: yin ya

لطفا این ترجمه را کپی و نشر ندهید.

چپترهای دیگر این رمان را از سایت مای انیمه دریافت کنید.

سایت:**Myanimes.ir**

چنل تلگرام:**@myanimes**

چپتر شانزدهم: بررسی دقیق

یوشیائومو کمی مضطرب بود، درست زمانیکه او تردید داشت به گوش داد حرف‌های آن‌ها ادامه دهد یا نه آن دو نفر ازآنجا دور شدند و صدایشان ناواضح به گوش میرسید او درواقع دیگر نمیتواست جواب "برادر بزرگ" را بشنود یا شاید اصلاً برادر بزرگ جوابی نداد. هرچه که بود به‌هرحال او نتوانسته بود بشنود. هرچند که او صدای "برادر بزرگ" را نشنید، اما ناخودآگاه یوشیائومو به یاد آن مرد و زنی که در کتابخانه دیده بود افتاد. ممکنه آن خواهر کوچکی که به آن اشاره کردند آن دختر باشد؟ یوشیائومو جرات نداشت بیشتر به این موضوع فکر کند و هرچه درمورد این موضوع بود را سریع فراموش کرد.

یوشیائومو باعجله به سمت کتابخانه رفت و قبل از اینکه دو کتاب دیگر قرض بگیرد چهارکتاب قبلی را پس داد. یکی از کتاب‌ها درمورد گیاهان جادویی پیداشده در قاره لانگ شیان تا سطح شش بود؛ که کتابش نقاشی‌های رنگی هم داشت؛ و بیشترِ گیاهان جادویی رایج را معرفی کرده بود؛ و کتاب دیگر کتاب جادوگری پایه بود.

او فردا قرار است که شروع به تصفیه قرص‌های جادویی کند. پس خوب بود که قبل از شروع نکات مهم را مطالعه کند چون اگر مشکلی پیش می‌آمد میدانست که چه کار کند.

یوشیائومو با خوشحالی کتاب‌ها را قرض گرفت، کاملاً بی‌خبر از آنکه پیرمرد کتابدار ناگهان چشماش را باز کرد و با دقت او را بررسی کرد. او برای تقریباً صدسال کتابدار کتابخانه است و این اولین باری بود که یک کارآموز را میدید که سه روزی دوبار[1] به آنجا می‌آید. هرچند استعدادی که با آن متولدشده پایین بود، ولی او یک بچه سخت‌کوش بود؛ فقط همین، پیرمرد همان موقع دوباره چشمانش را بست.

بعدازاین، یوشیائومو کتاب‌ها را برداشت و برای صبحانه به غذاخوری رفت. از آنجاییکه او مدت‌زمانی را برای پیدا کردن کتاب در کتابخانه گذرانده بود، وقتی وارد شد سیل عظیمی از جمعیت را آنجا دید؛ و غذا تقریباً تمام‌شده بود. خوشبختانه او آدمی نبود که زیاد غذا بخورد. بعد از صبحانه یوشیائومو چند شاگرد را که با او هم مسیر بودند و داشتند به سالن گیاهان جادویی میرفتند دنبال کرد.

برای درس امروز برادر ارشد فانگ‌چن‌لی دیگر درمورد مطالب کتاب توضیح نداد. از آنجاییکه آنها قبلاً نیروی روح را فعال کرده بودند، امروز میتوانستند تصفیه قرص‌های جادویی را امتحان کنند. برادر ارشد فانگ آنها را به اتاق سنگی برد. پنج دیگ روی سکوهای سنگی پشت سر هم گذاشته‌شده بودند؛ و در کنار هرکدام یک میز مستطیلی چوبی قرار داشت.

[1] تقریبا هروز

"از امروز به بعد اینجا جاییه که شما قرص‌های جادویی تصفیه میکنید. حالا یک دیگ را انتخاب کنید و کنار آن بایستید."

یوشیائومو پشت سر بقیه ایستاده بود، آن چهار نفر زودتر دیگ‌های خود را انتخاب میکنند و آخرین دیگ پشت سرشان را برای او میگذارند.

بعد از دیدن اینکه آنها دیگ‌های خود را انتخاب کرده‌اند برادر ارشد فان گفت:"حالا به دیگ‌های روبه روتون نگاه کنید. این وسیله‌ای است که میتوانید با آن قرص‌های جادویی را تصفیه کنید. قرص‌های جادویی سطح یک و دو را میتوان با این دیگ تصفیه کرد."

با شنیدن اینکه او میگوید قرص‌های جادویی سطح یک و دو یوشیائومو بی‌اختیار گفت:"برادر ارشد به من نگید که این دیگ نمیتواند قرص‌های جادویی سطح سه را تصفیه کند؟"

آن چهار شاگرد دیگر بلافاصله با تحقیر به او نگاه کردند. برادر ارشد واضحا اعلام کرد، سطح یک و سطح دو معلومه که سطح سه را نمیشود در این دیگ تصفیه کرد ولی او بازهم چنین سؤال احمقانه‌ای را پرسیده بود. یوشیائومو به‌شدت بخاطر حرفی که زده بود پشیمان بود.

فان‌چن‌لی لبخندی زد، اما او را سرزنش نکرد "قرص‌های جادویی سطح سه اولین مانع[۲] برای جادوگرهاست؛ و نیاز به نیروی قوی‌تری دارد که دیگ‌های

[۲] اولین کار کار سختیه که باید انجام بدن تا برن سطح بعدی سطح یک و دو آسونه ولی سطح سه اولین آغاز راه جادوگر شدنه.

معمولی نمیتوانند آن را تحمل کنند، پس باید در هر سطح دیگ را عوض کرد مگر اینکه کارتون رو همان اول با یک دیگ نسبتاً خوب شروع کنید."

یوشیائومو سرش آویزان شده بود معلوم بود که ایندفعه هم قضیه پول است.

سپس، فانگ‌چن‌لی توضیح داد که چطور از دیگ استفاده کنند. به بیان ساده این کار انتقال نیروی روح به درون دیگ است. به دلیل اینکه دیگ‌های معمولی سه دهانه کوچک در بالایشان داشتند، نیروی روح قبل از وارد شدن به دیگ باید به سه قسمت تقسیم میشد؛ بنابراین این به مهارت جادوگر که چطور نیروی روحش را کنترل کند بستگی داشت. اگر به خوبی نتواند آن را کنترل کند، حتی باوجود گیاهان جادویی درجه بالا، اگر خوش‌شانس باشد و بتواند قرص جادویی درجه پایینی را تصفیه کند و اگر بدشانس باشد گیاه جادویی خراب میشود؛ بنابراین کنترل نیروی روح در هنگام تصفیه قرص‌های جادویی بسیار مهم است.

فانگ‌چن‌لی خودش هم وظایفی داشت که مسئولیتشان بر عهده‌اش بود، پس وقتی آنها داشتند تمرین میکردند نمیتوانست کنار آنها بماند؛ بنابراین او یک شاگرد نسبتا جوان به اسم "وو"[۳] را برای کمک خبر کرد. پس از رفتنش یوشائومو و بقیه شاگردان شروع به تمرین کردند.

هرچیزی اولش سخت است. این حرف کاملاً درست بود.

وقتی‌که یوشائومو عمیقاً در این فکر بود که چطور نیروی روحش را تقسیم کند. یک شاگرد باعجله کارش را شروع کرد *بنگ* و دیگش با انفجار به هوا پرت

[۳] wu

شد. وقتی یوشیائومو به آن سمت نگاه کرد، صورت آن شاگرد قرمز شده بود، و قیافش طوری بود که انگار باورش نمیشد که همچین اتفاقی بیفتد.

برادر بزرگ وو که برادر ارشد آنها را به او سپرده بود به نظر نمی‌آمد تعجب کرده باشد؛ و دلیلش این بود که او چیزهای عجیب زیادی دیده بود.

او به سمت آن شاگرد میرود و چند نکته را به او تذکر میدهد. بقیه ازجمله یوشیائومو سریع گوش‌هایشان را تیز میکنند.

یوشیائومو نفس عمیقی میکشد، وقتی متمرکز کردن نیرویش به بیشترین حد رسید او یک توپ سفید شفاف روبه رویش میبیند. این همان ماهیت نیروی روح بود. تحت کنترلش، نیروی روح به سه قسمت مساوی تقسیم شد، سپس آن‌ها به‌آرامی به سمت سه دهانه دیگ حرکت کرند و واردشان شدند. او میتوانست حس کند که نیروی روح در آن فضای تنگ و سرد جاری میشود. بااینکه سطح دیگ مشکی و فلز آن‌هم سخت و هم سیاه بود که گهگاه بخاطر فلزات دیگر که درونش بود برق میزد؛ اما او حتی میتوانست "ببیند" که داخل آنچه اتفاقی می‌افتد با پایین رفتن از دهانه، بالاخره او تمام فضای دیگ را دید. داخل آن‌یک حفره بدون هیچ‌چیز دیگر بود.

یوشیائومو نیروی روح را قبل از اینکه بازیابی کند. برای مدتی نیروی روح را در فضای دیگ چرخاند. پس‌ازاینکه از آن حالت درآمد حس کرد اتاق سنگی به طرز عجیبی ساکت است. او سرش را بالا آورد و دید بقیه ازجمله برادر وو با تعجب به او خیره شده‌اند.

امیدوارم از این رمان لذت برده باشید.

لطفاً این ترجمه را حتی با ذکر منبع کپی و نشر ندهید.

سایت:**Myanimes.ir**

چنل تلگرام:**@myanimes**

Protect pdf from copying with Online-PDF-No-Copy.com